

هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی سیاست خارجی ایران دوران دفاع مقدس*

قدیر نظامی پور^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۰۶

چکیده:

هدف این تحقیق شناخت مبانی هستی‌شناسانه و معرفت‌شناسانه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوران دفاع مقدس است. پرسش اصلی مقاله آن است که «نشانه‌های هسته‌شناسانه و معرفت‌شناسانه سیاست خارجی ایران در دوران دفاع مقدس کدام است؟» فرضیه تحقیق به این موضوع اشاره دارد که «قالب‌های هستی‌شناسانه سیاست خارجی دفاع مقدس براساس آموزه‌های اسلام‌گرایی و براساس نشانه‌های جهاد و مقاومت، رهبری دینی و موعودگرایی شکل گرفته است. درحالی‌که قالب‌های معرفت‌شناسانه سیاست خارجی تابعی از ضرورت‌های انقلاب اسلامی ایران در حوزه دیپلماسی انقلابی، تامین حقانیت و مصلحت تاکتیکی بوده است.» تحقیق از نوع کاربردی است و با استفاده از روش‌های توصیفی و تاریخی انجام شده است. روش گردآوری اطلاعات میدانی است و از ابزار اسناد و مدارک برای گردآوری داده‌ها استفاده شده است و داده‌های گردآوری شده با روش تحلیل محتوا مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد فرضیه مطرح شده مورد تایید قرار گرفته است.

واژگان اصلی: هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، سیاست خارجی ایران، جهاد و مقاومت، موعودگرایی، دیپلماسی انقلابی و عدالت‌گفتمانی.

۱. دانشیار مدیریت استراتژیک دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

dr.ghn38@yahoo.com

* این مقاله مستخرج از پروژه پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس شهید سپهبد پاسدار حاج قاسم سلیمانی است و از حمایت مادی و معنوی آن برخوردار شده است.

مقدمه

سیاست خارجی ایران در دوران دفاع مقدس براساس انگاره‌های مقاومت شکل گرفت. شعار بنیادین انقلاب ایران بر نشانه‌هایی از استقلال قرار داشت. استقلال‌گرایی در سیاست خارجی ایران دارای ریشه‌های تاریخی بوده و در دوران‌های گذشته با ادبیات متفاوتی به کار گرفته شده است. «سیاست علمی» مدرس زمینه مقاومت در برابر قرارداد تقسیم ایران ۱۹۰۷ و قرارداد تحت‌الحمایگی ۱۹۱۹ را فراهم آورد. «سیاست موازنه منفی» مصدق نیز منجر به سازوکارهایی همانند ملی‌سازی صنعت نفت گردید.

رویکرد ایران در دوران دفاع مقدس تابعی از ضرورت‌های مقابله با تهدیدات ناشی از جنگ عراق علیه ایران بود. جنگ تحمیلی، «معادله قدرت و امنیت» در فضای منطقه‌ای و در ارتباط با ایران را دگرگون نمود. ایران در وضعیت «تهدید پرشدت» قرار گرفت. قالب‌های مفهومی و کارکردی هستی‌شناسانه سیاست خارجی ایران در مقابله با جنگ تحمیلی مبتنی بر نشانه‌های «جهاد و مقاومت»، «موعودگرایی شیعی» و «رهبری دینی» بوده است. هر یک از سه مفهوم یاد شده بخشی از قالب‌های هستی‌شناسانه سیاست خارجی ایران در دوران دفاع مقدس را منعکس می‌سازد.

قالب‌های معرفت‌شناسانه دفاع مقدس مبتنی بر نشانه‌هایی همانند «دیپلماسی انقلابی»، «تامین حقانیت» و «مصلحت تاکتیکی» بوده است. هر یک از مولفه‌های یاد شده را می‌توان به‌عنوان بخشی از فرآیند کنش دیپلماتیک و روندهای سیاست خارجی ایران در دوران دفاع مقدس دانست. رویکرد اولیه ایران بر خروج دشمن از حوزه‌های سرزمینی قرار داشته است. رویکرد ثانویه مبتنی بر سازوکارهایی همانند «تعقیب متجاوز» و «بی‌اثرسازی انگیزه کنش تهاجمی» عراق در دستور کار سیاست خارجی ایران قرار گرفت.

در سال‌های پس از دوران دفاع مقدس به اندازه کافی به سیاست خارجی ایران که فراز و فرودها و تنگناهای زیادی را پشت سر نهاده و تجربیات فراوانی را کسب نموده، پرداخته نشده است و این موضوع هزینه‌های زیادی را بر دستگاه سیاست خارجی تحمیل نموده است. از این رو موضوع سیاست خارجی ایران در دوران دفاع مقدس در این پژوهش موضوعیت یافته و مبانی هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی آن مورد واکاوی قرار گرفته است.

مسئله اصلی در این پژوهش مشخص نبودن مبانی هستی‌شناسانه و معرفت‌شناسانه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دفاع مقدس است.

پرسش اصلی مقاله آن است که «نشانه‌های هستی‌شناسانه و معرفت‌شناسانه سیاست خارجی ایران در دوران دفاع مقدس کدام است؟» فرضیه مقاله به این موضوع اشاره دارد که «قالب‌های هستی‌شناسانه سیاست خارجی دفاع مقدس براساس آموزه‌های اسلام‌گرایی و براساس نشانه‌های جهاد و مقاومت، رهبری دینی و موعودگرایی شکل گرفته است. درحالی‌که قالب‌های معرفت‌شناسانه سیاست خارجی تابعی از ضرورت‌های انقلاب اسلامی ایران در حوزه دیپلماسی انقلابی، تامین حقانیت و مصلحت تاکتیکی بوده است.» در تنظیم مقاله از رهیافت فرانظریه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس استفاده شده است. روش انجام پژوهش مبتنی بر سازوکارهای تحلیل داده‌ها و تحلیل محتوا می‌باشد.

اهمیت ضرورت انجام تحقیق به اهمیت دوران دفاع مقدس بازمی‌گردد. با انجام این پژوهش مبانی هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوران دفاع مقدس مورد شناسایی قرار می‌گیرد و این دستاورد به عنوان یک تجربه موفق، برای استفاده در آینده از اهمیت زیادی برخوردار است. از سوی دیگر عدم انجام این پژوهش و پژوهش‌های مشابه موجب غفلت از مبانی هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران می‌شود و می‌تواند آسیب‌ها و هزینه‌های زیادی را بر کشور تحمیل نماید.

مبانی نظری و ادبیات تحقیق

در چارچوب روایت «علی و تفهیمی» از انقلاب اسلامی، می‌توان پنج چشم‌انداز یا تبیین کلی شامل تبیین فرهنگی، تبیین اجتماعی و اقتصادی، تبیین روان‌شناختی اجتماعی، تبیین سیاسی و تبیین چند سببی را مشاهده کرد. در بین این تبیین‌ها، تبیین روندهای سیاست خارجی ایران در دوران دفاع مقدس براساس آموزه‌های انقلاب اسلامی یعنی تشیع، اسلام‌گرایی، رهبری دینی، جهاد و مقاومت، موعودگرایی، دیپلماسی انقلابی و مصلحت تاکتیکی بیش از همه به «روایت تفهیمی» نزدیک می‌شود.

در این چارچوب، اندیشمندانی مانند حامد الگار و آصف حسین معتقدند برای درک پدیده انقلاب اسلامی ایران و همچنین فرآیندهای مربوط به سیاست خارجی در دوران دفاع مقدس می‌توان به مفاهیم و عناصری چون تشیع، اسلام‌گرایی، رهبری دینی، آموزش مذهبی و تحرک عملیاتی اشاره داشت. روایت مقاومت دفاع مقدس، ریشه در قالب‌های فکری و تحلیلی انقلاب

اسلامی ایران قرار دارد. انقلاب ایران بر موقعیت ژئوپلیتیکی شیعه تاثیر به جا گذاشته و به همین دلیل زمینه برای تبدیل اندیشه سیاسی شیعه به اندیشه سیاسی مقاومت گردیده است.

بسیاری از نظریه پردازان انقلاب بر انگاره امام خمینی (رحمه الله علیه) به عنوان رهبر انقلاب اسلامی تاکید داشته و مفاهیمی همانند ایمان، شهادت، مقاومت، حمایت الهی و مشارکت عمومی شهروندان را محور اصلی نقش یابی ایران در روند دفاع مقدس قرار داده اند. محورهای اصلی اندیشه امام در مدیریت بحران دفاع مقدس معطوف به این رویکرد می باشد که «یک ملت ضعیفی که هیچ نداشت در مقابل ابر قدرت ها که همه چیز داشتند و تا دندان مسلح بودند (غالب شدند) به قوه ملیت نمی تواند غلبه کند. ملتی که غلبه کرد برای اینکه شهادت آرزوی او بود. این قدرت ملت نیست، این قدرت ایمان است، هیچ ملتی نمی تواند این طور بسیج شود. قدرت ایمان، قومه اسلام، قدرت معنوی ملت، این پیروزی را به ما ارزانی داشت» (امام خمینی (رحمه الله علیه)، ۱۳۸۵).

یکی از ویژگی های اصلی انقلاب اسلامی ایران را می توان بر اساس الگوی مدیریت رهبری تبیین نمود. چنین رویکردی با شاخص های محوری سیاست خارجی ایران به ویژه در دوران دفاع مقدس هماهنگی و همگونی داشته است. امام (رحمه الله علیه) از سازوکارهای رهبری کارزماتیک برخوردار بود اما الگوی کنش، ادبیات و رفتار مدیریتی ایشان ماهیت پست مدرن داشته است. یکی از شاخص های اصلی و بنیادین مقاومت جامعه در روند دفاع مقدس، چگونگی پیوند با آموزه های آرمانی انقلاب اسلامی داشته که زیرساخت های مقاومت را اجتناب ناپذیر می ساخت.

ایشان هیچگاه برای خود امتیاز ویژه ای قائل نبودند. به همین دلیل است که جایگاه ایشان در پیوند با گروه های اجتماعی تا زمان رحلت ادامه یافت. ساده زیستی و پیوند با گروه های فرودست اجتماعی را می توان در زمره شاخص های اصلی شخصیتی و رفتار مدیریتی ایشان دانست. نگرش امام خمینی (رحمه الله علیه) در مورد مسوولیت های اجرایی و مزایای حکومتی براساس این آموزه مورد توجه قرار می گیرد که «هیچ فرقی بین و آن پاسداری که الان سر کوچه در پست خود نگهبانی می دهد، نیست» (امام خمینی (رحمه الله علیه)، ۱۳۸۵).

۱. شاخص های هستی شناسانه سیاست خارجی ایران در دوران دفاع مقدس

قالب های هستی شناسانه سیاست خارجی ایران در دوران دفاع مقدس ارتباط مستقیم با قالب های بنیادین و زیرساخت های تشکیل دهنده انقلاب اسلامی دارد. هر انقلاب سیاسی و

ژئوپلیتیکی دارای شکل‌بندی‌های ساختاری و قالب‌های معنایی خاص خود است. روندهای سیاست خارجی در هر کشوری ارتباط مستقیم با شکل‌بندی‌های هویتی و ساختاری آن کشور دارد. ایران از شکل‌بندی ژئوپلیتیک تهدید برخوردار بوده، به همین دلیل نیازمند به‌کارگیری سازوکارهایی است که زمینه مقابله با تهدید را فراهم آورد.

یکی از نشانه‌های اصلی ژئوپلیتیک تهدید را موضوع مربوط به نقش‌یابی مرحله‌ای عراق برای «مهار و محدودسازی» ایران تشکیل می‌دهد. ایران برای مقابله با چنین تهدیداتی می‌بایست از تمامی قابلیت‌های درونی و نهفته خود استفاده کند. قابلیت‌های ایران در مقابله با عراق را موضوعات و شاخص‌های ایدئولوژیک همانند اسلام سیاسی و آموزه‌های کنش اجتماعی شیعی تشکیل می‌دهد. رویکرد مبتنی بر موعودگرایی و آخرت‌گرایی ایرانی، منجر به تحرک ژئوپلیتیکی در روند مقابله با تهدیدات عراق گردید.

قدرت‌های بزرگ همانند ایالات‌متحده آمریکا و اتحاد شوروی نقش موثری در ایجاد مزیت نسبی برای عراق داشتند. مطالعات انجام شده بیانگر این واقعیت است که ساخت اقتصادی و سیاسی عراق در دوران دفاع مقدس به گونه مشهودی حمایت می‌شد. فضای سیاسی ایران از این جهت اهمیت دارد که موقعیت ژئوپلیتیکی ویژه‌ای داشته و ایران براساس انگاره «ژئوپلیتیک تهدید» توانست موقعیت خود را در فضای جنگ و در سال‌های بعد از آن ترمیم و بازسازی نماید.

۱-۱. جهاد و مقاومت در برابر تهدیدات سیاست خارجی

مقاومت یکی از محورهای اصلی انقلاب اسلامی ایران و الگوی کنش سیاست خارجی در روند دفاع مقدس بوده است. بسیاری از تحلیلگران مسائل منطقه‌ای به این موضوع اشاره دارند که صدام حسین در جنگ علیه ایران از سازوکارهای مربوط به «جنگ نیابتی» بهره گرفت. الگوی کنش ایران در برابر جنگ نیابتی آمریکا توسط عراق را سازوکارهای مقاومت تشکیل می‌دهد. مقاومت بخش اجتناب‌ناپذیر سیاست خارجی ایران در دوران دفاع مقدس و بسیاری دیگر از دوران‌های تاریخی بوده است.

واقعیت‌های تاکتیکی نشان می‌دهد که هر یک از قدرت‌های بزرگ به‌ویژه ایالات‌متحده از سازوکارهای حمایتی برای آغاز و تداوم جنگ ایران و عراق بهره گرفتند. ایالات متحده نقش مستقیم در آغاز، مدیریت و فرآیند تداوم جنگ عراق با ایران داشته است. امریکایی‌ها بر این امر واقف بودند که عراق از انگیزه و طراحی لازم برای حمله نظامی به ایران برخوردار است. امریکا نه

تنها اقدامی در جهت ممانعت از چنین اقدامی به انجام نرساند، بلکه زمینه افزایش کنش انگیزشی برای صدام حسین را به وجود آورد.

عراق در روند ایجاد آمادگی برای جنگ با ایران از سازوکارهای موازنه و ائتلاف بهره گرفت. شرایط ساختاری و منطقه‌ای اوایل دهه ۱۹۸۰ برای ائتلاف‌سازی عراق در نظم منطقه‌ای وجود داشت. واقعیت‌های نظام بین‌الملل براساس شکل خاصی از موازنه تعریف می‌شود. بازیگران نیازمند آنند که اهداف خود را براساس ضرورت‌های ساختار نظام جهانی تعریف کنند. هر بازیگری که قدرت خود را ارتقا دهد، با نشانه‌هایی از ائتلاف گروه‌های رقیب روبه‌رو می‌شود. حمایت‌های بین‌المللی از عراق می‌توانست زمینه تغییر در موازنه قدرت را به وجود آورد. احساس افزایش قدرت راهبردی عراق، انگیزه صدام حسین برای عملیاتی‌سازی اهداف خود برای حمله به ایران را ارتقاء می‌داد. آمریکا تلاش داشت تا عراق را در دام کنش عملیاتی علیه ایران قرار دهد. صدام حسین نیز به دلیل ویژگی‌های شخصیتی و انگاره‌ای که برای خود به‌عنوان «قادسیه صدام» در ذهن داشت، عملیات نظامی علیه ایران را به انجام رساند (Amirahmadi, 1990:35).

مقام معظم رهبری (مدظله العالی) همواره به این موضوع اشاره داشتند که صدام ابزار دست قدرت‌های بزرگ بوده و عراق به‌عنوان بازیگر جنگ نیابتی به ایران حمله نمود. ایشان پیرامون توافق دو کشور شوروی و آمریکا بر سر حمله عراق به ایران این‌گونه بیان می‌کنند که: «دلیل توافق دو کشور شوروی و آمریکا بر سر حمله عراق به ایران این بود که صدام راه غرب را در پیش گرفته بود و به غرب نزدیک می‌شد و از شوروی کم‌کم فاصله می‌گرفت و بعد هم دیدیم که قبل از جنگ، برژینسکی به عراق آمد و به صدام برای حمله به ایران چراغ سبز نشان داد. صدام می‌خواست مطمئن شود که اگر وارد جنگ با ایران شود، آمریکا از ایران حمایت نمی‌کند، چون می‌دانست اگر آمریکا موشک‌ها و تجهیزات نظامی خریداری شده را در اختیار ایران بگذارد، دیگر عراق توان شکست ایران را ندارد».

ایران نظم منطقه‌ای جدیدی را در سیاست منطقه‌ای در دستور کار قرار داد. محور اصلی سیاست ایران در محیط منطقه‌ای همکاری با گروه‌های شیعی و مجموعه‌های انقلابی بوده است. اگرچه شیعیان به‌عنوان متحد ژئوپلیتیکی ایران در دوران‌های مختلف تاریخی نقش داشته‌اند، اما واقعیت آن است که در سال‌های بعد از پیروزی انقلاب اسلامی همکاری با شیعیان ماهیت ایدئولوژیک در سیاست

خارجی ایران پیدا کرد. در سال‌های بعد از دفاع مقدس نیز ایدئولوژی انقلابی با الگوی کنش راهبردی به‌عنوان زیرساخت‌های جدید سیاست خارجی ایران محسوب می‌شود.

بسیاری از شواهد منتشر شده توسط ساختار بوروکراتیک ایالات متحده بیانگر آن است که دولت جیمی کارتر از انگیزه لازم برای درگیر ساختن ایران به جنگ‌های نیابتی برخوردار بوده است. آمریکا ترجیح می‌داد تا ایران درگیر جنگ نظامی منطقه‌ای قرار گرفته و به این ترتیب نتواند موقعیت و قابلیت ایدئولوژیک خود را در محیط منطقه‌ای گسترش دهد. امریکایی‌ها بر این امر واقف بودند که رهبران ایران به ویژه امام خمینی (رحمه‌الله علیه) از آمریکا به‌عنوان تهدید، دشمن و شیطان بزرگ نام می‌برند. امریکایی‌ها همچنین واقف بودند که سیاست ایران بعد از مقابله با شاه و براندازی حکومت پهلوی، معطوف به حوزه سیاست خارجی و مقابله همه‌جانبه با آمریکا خواهد بود. به همین دلیل است که آنان در مسیر حمایت و تقویت قدرت منطقه‌ای عراق حرکت نموده تا انگیزه صدام‌حسین برای حمله به ایران کاهش پیدا نکند (Geoff, 1994: 274).

گزارش منتشر شده توسط پنتاگون در می ۱۹۸۰ بیانگر این واقعیت است که دولت جیمی کارتر از این مقطع زمانی در صدد ارتقاء روابط سیاسی، اقتصادی و نظامی با عراق برآمد. حمایت آمریکا از عراق به این دلیل انجام گرفت که اولاً صدام‌حسین از آمادگی عملیاتی برای مقابله با ایران برخوردار بود، ثانیاً عراق می‌توانست حمایت کشورهای عرب منطقه‌ای را به دست آورد. ثالثاً عراق از پیوندهای اقتصادی و راهبردی با اتحاد شوروی و فرانسه در سال‌های پایانی دهه ۱۹۷۰ برخوردار بود.

عراق از لحاظ ژئوپلیتیکی به علت محدودیت دسترسی به آب‌های آزاد خلیج فارس، از جایگاهی چندان مهم برخوردار نبود و در انزوای ژئوپلیتیکی قرار داشت بنابراین با درک اهمیت استراتژیکی و اکونومیکی اروندرود و شهر بندری خرمشهر، برای تصرف این بخش از قلمرو سرزمین ایران، سیاست تهاجمی در پیش گرفت و تمرکز اصلی‌اش را در دوره جنگ بر منطقه جنوبی ایران گذاشت (درویشی، ۱۳۸۸: ۹۸).

تجاوز عراق به ایران علل، اهداف و انگیزه‌های ایدئولوژیک سیاسی و ارضی داشت که برخی از آنها پیشینه‌ای تاریخی داشت و برخی به وقوع انقلاب اسلامی ایران مربوط بود. از جمله مهم‌ترین علل و اهداف عراق در جنگ، ارتقاء موقعیت ژئوپلیتیک و پر کردن خلاء قدرت در منطقه بود. با به هم خوردن موازنه قوا در منطقه خلیج فارس، صدام حسین سعی داشت تا با همسو

کردن آمریکا به ژاندارمی منطقه برسد (رضایی میرقائد، ۱۳۹۰: ۷۱).

«رونالد ریگان» رئیس‌جمهور ایالات متحده از ژانویه ۱۹۸۱ در صدد برآمد تا سیاست جیمی کارتر برای حمایت از عراق را تداوم بخشد. وزارت امور خارجه دولت ریگان تمایلی به جنگ پر دامنه در منطقه خلیج فارس نداشت. آنان همچنین حمایت از صدام حسین را مشروط می‌دانستند. هدف اصلی ریگان، بهره‌گیری از سازوکارهای موازنه قدرت در محیط منطقه‌ای بوده است. ریگان به این موضوع اشاره داشت که هدف آمریکا در حمایت از عراق و در جنگ با ایران، بازسازی شکل جدیدی از موازنه قدرت خواهد بود. (Entessar, 1984: 45)

امریکا از سال ۱۹۸۷ تلاش نمود تا موضوع مذاکرات و میانجی‌گری کشورهای منطقه‌ای و اروپایی را در جنگ ایران و عراق فعال سازد. حمله موشکی عراق به تهران را می‌توان در زمره عواملی دانست که مبتنی بر حمایت غیرمستقیم ایالات متحده از جنگ عراق علیه ایران بوده است. شکل‌گیری موازنه در فضایی حاصل می‌شود که بحران از تصاعد بیشتری برخوردار شود. امریکا از تصاعد بحران جنگ عراق علیه ایران و در راستای کنترل و مدیریت بحران بهره گرفت. جنگ نفتکش‌ها، افزایش ضریب کنش تهاجمی عراق علیه ایران، هدف‌گیری پالایشگاه‌ها و مراکز انتقال نفت را می‌توان در زمره سازوکارهایی دانست که فرسایش در روند جنگ ایران و عراق را امکان‌پذیر می‌ساخت (Shariati, 2019:65).

۲-۱. موعودگرایی ساختاری و فرهنگی

موعودگرایی راهبرد کنش پر دامنه در روند جنگ ایران و عراق را منعکس نمود. موعودگرایی را می‌توان بخشی از قالب‌های هستی‌شناسانه سیاست خارجی ایران دانست که تاثیر خود را در روند دفاع مقدس به جا گذاشت. طراحی هر استراتژی باید چنان باشد که نیازهای ویژه‌ای را برآورده سازد. در مجموع، استراتژی، علم و فن‌گزینش درست از منابع متنوع است. واکنش‌هایی که برای یک رهبر یا یک کشور صحیح به نظر می‌رسد ممکن است برای دیگران کاملاً نامناسب باشد.

دوران جنگ عراق و ایران یک مقطع مهم و برجسته در تاریخ معاصر ایران محسوب می‌شود. سابقه تاریخی اختلاف و درگیری‌های میان ایران و همسایه غربی‌اش (عثمانی و سپس عراق) حدوداً به هفت قرن قبل بازمی‌گردد اما وقوع انقلاب اسلامی در ایران، یکبار دیگر زمینه‌چالش و درگیری میان ایران و عراق را مهیا ساخت. نظام سیاسی جدید در ایران که براساس اندیشه دینی و انقلابی پایه‌ریزی می‌شد. به طور طبیعی درون‌مایه‌ای کاملاً مغایر با منافع ابرقدرت‌ها و حکومت‌های

منطقه خصوصاً حکومت استبدادی صدام در عراق داشت (مراد پیری، ۱۳۹۵: ۳۶).

راهبرد طرحی است «جامع» با «الگوی پویا» که در فرآیند آن «بیان مجدد مأموریت» و تجزیه و تحلیل و ارزیابی عوامل محیطی داخلی و خارجی مؤثر در راهبرد و اجرای مأموریت، اهداف عالی بلندمدت و مزیت‌آفرین با آینده‌نگری در دورنمایی مطلوب برای رسیدن به موقعیتی برتر در محیط رقابتی تعیین می‌شوند. تمام استراتژیست‌ها بدون در نظر گرفتن اعتقاد فلسفی‌شان اسیر قیود سیاسی، نظامی، اقتصادی، فرهنگی، جغرافیایی و تکنولوژی بی‌شماری هستند. بعضی از این قیود مانند اراده ملی و افکار جهانی نامحسوس هستند. فرایض انسانی و فتوت همراه با محدودیت‌های اخلاقی و حقوقی نیز در این زمینه نقش خود را بازی می‌کنند (کالینز، ۱۳۸۳: ۵۴).

موعودگرایی مبتنی بر کنش یکجانبه در برابر تهدیدات بوده و جلوه‌ای از مقاومت در برابر سازوکارهای مربوط به «معمای امنیت» خواهد بود. هدف اصلی موعودگرایی مقاومت در برابر تهدیدات براساس اراده آرمانی و راهبردی خواهد بود. موعودگرایی به‌عنوان یک واقعیت آموزنده در جنگ با عراق شکل گرفته و این امر منجر به بر هم خوردن کفه قدرت در حوزه موضوعات سیاسی، اقتصادی، نظامی و اجتماعی در فرآیند دفاع مقدس گردیده است (بختیاری، ۱۳۸۶: ۵).

منطق آرمانی مدیریت بحران جنگ تحمیلی براساس انگاره‌های عزت، حکمت و مصلحت شکل گرفته است. هر یک از مولفه‌ها و شاخص‌های یاد شده بخشی از واقعیت‌های درونی سیاست و امنیت ملی ایران در دوران‌های بعد از انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی محسوب می‌شود. منطق آرمانی عموماً براساس قالب‌های کنش تکلیف‌محور شکل می‌گیرد. تکلیف در آموزه‌های راهبردی مبتنی بر میزان قابلیت کشورها در قالب معادله هزینه و فایده خواهد بود.

سازوکار مدیریت بحران در روند دفاع مقدس مبتنی بر «انگاره‌های عزت، حکمت و مصلحت» بوده است. چنین انگاره‌هایی از این جهت اهمیت دارد که می‌تواند زمینه‌های لازم برای ارتقاء قابلیت کشور در فضای رقابت‌های منطقه‌ای را فراهم سازد. هر یک از انگاره‌های یاد شده را می‌توان در بخشی از فرآیند مربوط به دفاع مقدس مشاهده کرد. انگاره‌های یاد شده بر اساس بنیادهای اندیشه دینی و ضرورت‌های کنش ژئوپلیتیکی امام خمینی (رحمه‌الله علیه) حاصل گردید.

۳-۱. عدالت گفتمانی

یکی از موضوعات اصلی دفاع مقدس را می‌توان گفتمان‌سازی دانست. مفهوم گفتمان عدالت می‌تواند در حوزه سیاست خارجی و داخلی مورد توجه قرار گیرد. کارکرد کنش گفتمانی را

می‌توان در محیط اجتماعی و ساختاری جستجو نمود. هر گفتمان از قابلیت لازم برای بهینه‌سازی معادله قدرت برخوردار است. گفتمان اصلی در راهبرد دفاع مقدس تامین عدالت بوده است. عدالت می‌تواند ماهیت اجتماعی، ساختاری و یا بین‌المللی داشته باشد.

تلاش‌ها و مطالبات مقام معظم رهبری از دولتهای مختلف مبنی بر کاستن از محرومیت‌ها و تاکید بر عدالت محوری و رفع تبعیض و جدی‌تر گرفته شدن این امر در دولت نهم و انجام امور امیدوارکننده برای مردم بویژه محرومین و نمود آن را در سفرهای استانی هیات دولت دانستند. ایشان بر این موضوع تاکید داشتند که هرگونه اقدام عدالت محور، عملاً مردم را به آینده خوشبین‌تر نموده و از آسیب‌پذیری جامعه در برابر دعوت‌های تغییرطلبانه جلوگیری کرد. مقام معظم رهبری در این ارتباط تاکید داشتند که:

«کشور امروز در مقابل چشم مدیران و نخبگان کشور، مثل یک صحنه‌ای است که می‌توانند برای پیشرفت آن برنامه‌ریزی کنند. همین سرکشی کردن مسئولین به گوشه و کنار این کشور، نقاط محروم، استان‌های دوردست، در استان‌ها به شهرهای گوناگون رفتن، با مردم تماس گرفتن، اوضاع را از نزدیک دیدن، با چشم مشکلات را مشاهده کردن، یک تجربه عظیم و گرانقدری برای مأمورین ما و مسئولان کشور به وجود آورده است؛ اینها زمینه یک جهش است برای اینکه کشور بتواند ان‌شاءالله در طریق پیشرفت و عدالت حرکت کند؛ و این ایجاب می‌کند که دهه آینده - یعنی ده سالی که از امسال آغاز می‌شود - برای کشور ما و برای نظام جمهوری اسلامی، ده سال پیشرفت و عدالت باشد؛ که همه باید در این قسمت تلاش و کار کنند» (امام خامنه‌ای (مدظله العالی)، ۱۳۸۸/۱/۱، در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران امام رضا(ع)).

امام خامنه‌ای (مدظله العالی) بر ضرورت حفظ نظام سیاسی از طریق مقابله با الگوهای نرم‌افزاری و سخت‌افزاری نظام سلطه تاکید داشته‌اند. ایشان درباره ماهیت متحول امنیت و تهدیدات نرم‌افزاری بر این موضوع تاکید داشتند که: «دشمن اگرچه که امروز مثل روزهای اول انقلاب نیست که دیگر امید داشته باشد به اینکه می‌تواند ریشه این انقلاب را بزند؛ نه، آن روز امیدوار بودند بتوانند انقلاب را، جمهوری اسلامی را نابود کنند، امروز مایوسند؛ چنین امیدی امروز ندارند، می‌بینند این درخت تناور ریشه دوانده است؛ اما از کید آنها غافل نباید بود» (امام خامنه‌ای (مدظله العالی)، ۱۳۸۸/۲/۲۹، بیانات در دیدار مردم سقز).

رویکرد مقام معظم رهبری^(مدظله‌العالی) درباره نقش عوامل انسانی و شخصیتی مقابله با تهدیدات نرم‌افزاری بر این امر قرار گرفته است که افراد و گروه‌های اجتماعی در مقابله با تهدیدات باید از الگوی کنش مرحله‌ای، عقلایی، امید به آینده و تلاش بی‌پایان استفاده نمایند. علت چنین نگرشی را باید ناشی از ماهیت تهدیدات نرم‌افزاری جهان غرب در مقابله با جمهوری اسلامی ایران دانست. براساس چنین نگرشی، هرگونه یأس و ناامیدی به‌منزله مقدمه سازش و تسلیم تلقی می‌شود. لازم به توضیح است که یأس و ناامیدی در شرایطی ایجاد می‌شود که کشورها فاقد راهبرد سازمان‌یافته برای بسیج گروه‌های اجتماعی جهت مقابله با تهدیدات باشند. در چنین شرایطی است که امید به آینده یکی از شاخص‌های اصلی مقابله با تهدیدات نرم‌افزاری تلقی می‌گردد.

۲. معرفت‌شناسی دفاع مقدس

هرگونه معرفت‌شناسی سیاست خارجی به مفهوم بهره‌گیری از سازوکارهایی برای تولید قدرت در برابر تهدیدات خواهد بود. الگوی کنش متقابل بازیگران در روند رقابت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، در زمره اصلی‌ترین نشانه‌های کنش معرفت‌شناسانه خواهد بود. شکل‌بندی‌های امنیت‌ساز در دوران بحران نیازمند درک دقیق نشانه‌های تهدید و بازیگران تهدیدساز خواهد بود. در فرآیند جنگ تحمیلی زمینه برای نقش‌یابی بازیگران نظام سلطه در مقابله با ایران به وجود آمد. برای مقابله با نظام سلطه، کشورهایی همانند ایران نیازمند ظرفیت‌سازی هستند. محور اصلی چنین رویکردی را می‌توان مبتنی بر ظرفیت‌سازی دانست. مقابله با تهدیدات نرم‌افزاری و ساختارهای صرفاً در شرایطی امکان‌پذیر است که واحدهای سیاسی بتوانند از قابلیت لازم برای ارتقاء موقعیت خود برخوردار باشند. به عبارت دیگر، بدون ظرفیت‌سازی هیچ‌گونه زمینه‌ای برای ارتقاء قابلیت‌های راهبردی برای مقابله با تهدیدات امکان‌پذیر نخواهد بود. براساس ادراک مبتنی بر ارتقاء قابلیت‌های ساختاری، موضوعاتی از جمله انعطاف‌پذیری تاکتیکی و الگویی مورد توجه قرار می‌گیرد (امام‌خامنه‌ای^(مدظله‌العالی)، ۱۳۳۸: ۴).

۱-۲. مدیریت بحران شرایط نوظهور

شرایط نوظهور در هر کشور و منطقه‌ای زمینه شکل‌گیری بحران را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. معادله قدرت می‌تواند یکی از زیرساخت‌های اصلی اداره امور کشور را شکل داده و کنترل کند. هرگاه نشانه‌هایی از تغییر در موازنه قدرت و موازنه تهدید به وجود آید، نشانه‌هایی از ظهور بحران

اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. مدیریت بحران را می‌توان یکی از شاخص‌های محوری سیاسی و سیاست خارجی ایران دانست. مدیریت بحران، چگونگی رابطه بین قدرت، سیاست و چگونگی تحقق اهداف راهبردی در شرایط تهدید را تبیین می‌کند.

مدیریت بحران در دوران دفاع مقدس یکی از شاخص‌های اصلی نقش‌یابی سیاست خارجی ایران در ارتباط با تهدیدات منطقه‌ای بوده است. مقابله با تهدید، دیپلماسی کنش چندجانبه و بهره‌گیری از قالب‌های بوروکراتیک را می‌توان در زمره نشانه‌های مربوط به مدیریت بحران‌های اجتماعی و ساختاری دانست. مقابله با هر سطحی از تهدید نیازمند بهره‌گیری از معادله قدرت و به‌کارگیری سازوکارهایی در جهت مدیریت قدرت، تهدیدات و بحران‌های احتمالی خواهد بود.

یکی از شاخص‌های اصلی مدیریت بحران، مقابله با تهدیدات تاکتیکی و حراست از تمامیت ساختاری و راهبردی کشور در برابر الگوی کنش تهاجمی بازیگران رقیب بوده است. مقابله با تهدید و تجاوز از این جهت اهمیت دارد که زمینه شکل‌گیری نشانه‌هایی از «دفاع دائمی» را امکان‌پذیر می‌سازد. انگاره امام خمینی در مورد دفاع دائمی در مقابله با «تهدیدات دائمی» قرار داشته و در روند دفاع مقدس به این موضوع اشاره داشتند که «تا از خانه ما بیرون نروید و تا جرم‌هایی که کرده‌اید معلوم نشود که شما مجرم هستید و تا ضررهایی که به ایران زده‌اید جبران نشود و حکم به جبران نشود، صلح معنی ندارد» (صحیفه‌نور جلد ۱۶: ۷۶).

هرگونه مدیریت بحران نیازمند بهره‌گیری از سازوکارهای تدبیر راهبردی و تاکتیکی خواهد بود. تدبیر در روند دفاع مقدس و پذیرش قطعنامه در انگاره راهبردی می‌توانست نتایج مطلوبی را برای ایران ایجاد کند. مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در دیدار با متولیان فرهنگ و هنر دفاع مقدس ایراد فرموده‌اند: «ما در این ماجرای هشت‌ساله، یک پیروزی مطلق به‌دست آوردیم. ما که جنگ را شروع نکرده بودیم که بگوییم فلان جا را می‌خواستیم بگیریم، نتوانستیم، پس ناکام شدیم، قضیه این نبود. قضیه این بود که دشمنی به ما حمله کرده بود و می‌خواست بخشی از خاک ما را بگیرد. همه دنیا هم به او کمک کردند، ما هم مردانه ایستادیم، ناکام شد و بینی‌اش به خاک مالیده شد و برگشت. پیروزی از این بالاتر؟» (امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، بیانات در دیدار با متولیان فرهنگ دفاع مقدس، ۱۳۷۹/۰۷/۰۶).

وضعیت سرنوشت‌ساز ماه‌های پایانی جنگ، ضرورت تصمیم‌گیری راهبردی را بیش از همیشه نمایان ساخت. در چنین شرایطی، کنترل و مدیریت پیامدها و رخدادهای سیاسی، نظامی و

اجتماعی، دشوار و اساسی بود. مجموع این شرایط باعث شد تا امام (رحمه‌الله علیه) در این زمینه چند اقدام اساسی انجام دهند که محور ثقل و کانون مرکزی آن پذیرش «قطعنامه ۵۹۸» بود. ایشان در تبیین علل پذیرش قطعنامه، هدف را مصلحت نظام، کشور، انقلاب و رسیدن به صلحی پایدار و به‌عنوان یک سیاست رسمی نه تاکتیکی ذکر کردند (باوریان و سهراب‌زاده، ۱۳۹۷: ۱۵۸).

هرگونه تصمیم‌گیری در دوران دفاع مقدس نشانه‌ای از مدیریت بحران را منعکس می‌سازد. مدیریت بحران براساس الگوها و سازوکارهای مبتنی بر مقاومت، رویارویی، همکاری، مصالحه، مشارکت و انعطاف‌پذیری حاصل می‌شود. هر یک از گزینه‌های یاد شده را می‌توان به‌عنوان بخشی از الگوی کنش رفتاری رهبران سیاسی ایران در دوران دفاع مقدس دانست. توضیح اینکه به‌کارگیری هر تصمیمی در قالب گزینه‌های یاد شده تابعی از معادله قدرت خواهد بود.

مدیریت بحران نیازمند شناخت دقیق صحنه جنگ خواهد بود. واقعیت‌های نبرد ایران با عراق نشان داد که محاسبه سیاسی نادرست جنگ در ماه‌های پایانی منجر به هزینه‌های انسانی و اعتباری برای جمهوری اسلامی گردید. پذیرش قطعنامه ۵۹۸ را می‌توان به‌عنوان یکی از شاخص‌های اصلی ظهور چالش‌های محیطی در ساختار سیاسی و اجتماعی ایران دانست. برخی محققان و مسئولان برای ارائه دلیل پذیرش قطعنامه بر عامل فرهنگی تکیه کرده‌اند و در این باره مدعی بودند که حضور نیرو در جبهه‌ها کم‌رنگ شده بود. در این باره هاشمی رفسنجانی در سال ۱۳۶۵ پیش از عملیات «کربلای ۵» اظهار می‌دارد که «وضع جنگ الان به جایی رسیده است که هر محاسبه‌ای نشان می‌دهد ما باید هر چه زودتر جنگ را به پایان برسانیم» (درودیان، ۱۳۹۵: ۱۲۴).

هرگاه کشوری از قابلیت کنشگری فراگیر برخوردار باشد، طبیعی است که از سازوکارهای مبتنی بر مقاومت و رویارویی بهره می‌گیرد. هرگاه زمینه‌هایی از کاهش قدرت به وجود آید، در آن شرایط سازوکارهای مبتنی بر انعطاف‌پذیری و مصالحه در مدیریت بحران اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. اتخاذ این تصمیم شاید مشکل‌ترین اقدام انجام شده تا آن زمان از سوی امام (رحمه‌الله علیه) بود زیرا ایشان این عمل را به مثابه نوشیدن جام زهر قلمداد کردند و فرمودند: «تنها به امید رحمت و رضای او از هر آنچه گفتم، گذشتم و اگر آبرویی داشته‌ام، با خدا معامله کرده‌ام». ایشان همچنین مسئولیت این تصمیم را پذیرفتند و مسئولین کشور را مورد حمایت و تایید قرار دادند و فرمودند: «آنان را شماتت نکنید» (امام خمینی (رحمه‌الله علیه)، ۱۳۷۹، جلد ۲۰: ۱۳).

هرگونه مدیریت بحران نیازمند به‌کارگیری سازوکارهای تولید قدرت، بسیج نیروهای اجتماعی

و مقابله با تهدیدات در شرایط بحران خواهد بود. کنترل پیامدهای این تصمیم‌گیری در داخل کشور و صحنه جنگ بسیار دشوار بود. در سال ۱۹۸۷ زمینه برای تغییر موازنه قدرت به وجود آمد. قدرت‌های بزرگ حمایت اقتصادی و راهبردی بیشتری از عراق به انجام رساندند. در نتیجه چنین فرآیندی بود که موازنه قدرت به نفع عراق تغییر پیدا کرد و این امر ایران را در وضعیت مبتنی بر انعطاف‌پذیری تاکتیکی قرار داد.

با وجود آنکه این تصمیم می‌توانست منجر به اختلاف در داخل کشور شود اما امام (رحمه‌الله علیه) توانستند از تفرقه جلوگیری نمایند و حتی با فراخوانی مجدد مردم، صحنه نظامی جنگ را با شکست رژیم بعث عراق و منافقین به سود ایران تغییر دهند. ایشان در همین مرحله، در کنار سایر اقدامات، مجدداً ابعاد سیاسی و عقیدتی جنگ را مانند روزهای آغازین جنگ، تبیین و بر جنگ حق و باطل و جنگ اسلام علیه نابرابری‌های دنیای سرمایه‌داری و کمونیسم تاکید نمودند (درودیان، ۱۳۹۵: ۶۳)

به همان گونه‌ای که تداوم نبرد با عراق در سال ۱۹۸۷ به‌عنوان بخشی از راهبرد ایران محسوب می‌شد، تغییر در موازنه قدرت، الگوی مدیریت بحران ایران را با تغییراتی همراه ساخت. پذیرش قطعنامه یکی از شاخص‌های انعطاف‌پذیری ایران در برابر تهدیدات محسوب می‌شود. معادله قدرت توانست زمینه‌های لازم برای همکاری‌های چندجانبه ایران با نهادهای بین‌المللی و در راستای پایان بخشیدن به جنگ را فراهم سازد. پذیرش قطعنامه ۵۹۸ تحت‌تاثیر عوامل تاکتیکی، سیاست خارجی و راهبردی انجام گرفته است.

شناخت تهدیدات، زمینه لازم برای به‌کارگیری سازوکارهای موثر در جهت کنترل تهدیدات را فراهم می‌سازد. مدیریت بحران مبتنی بر موازنه قدرت، تهدید و الگوی رفتاری خواهد بود. از سال ۱۹۸۷ به بعد زمینه برای افزایش فشارهای مضاعف اقتصادی و نظامی بر ایران به وجود آمد. محدودیت‌های اقتصادی ایران منجر به مزیت نسبی بیشتری برای دولت عراق شد. دولت عراق در این دوران تاریخی توانست سطح کنش ارتباطی خود با قدرت‌های بزرگ و بازیگران منطقه‌ای را ارتقا دهد. عراق نه تنها قرارداد ۱۹۷۲ با اتحاد شوروی را از سال ۱۹۸۲ تمدید کرد، بلکه در مرحله بعدی و در سال ۱۹۸۷ برای پنج سال دیگر این قرارداد تمدید شد.

رویکرد رهبری انقلاب اسلامی ایران معطوف به مقابله با تهدیدات عراق بوده است. پذیرش قطعنامه ۵۹۸ توسط امام خمینی (رحمه‌الله علیه) به معنای آن است که هرگونه مقابله با تهدیدات در

شرایطی می‌تواند مطلوبیت لازم برای سرنوشت عمومی یک انقلاب و کشور را داشته باشد که منجر به نتایج راهبردی شود. در نگرش رهبری انقلاب اسلامی، تکلیف راهبردی مقدم بر قابلیت‌های تاکتیکی است. در شرایطی که قابلیت تاکتیکی نتواند نیازهای عمومی کشور را تامین نماید، در آن شرایط طبیعی به نظر می‌رسد که زمینه برای تغییر در الگوی کنش تاکتیکی به وجود آید.

موازنه قدرت یکی از عوامل بنیادین پذیرش قطعنامه ۵۹۸ در سال ۱۹۸۸ از سوی ایران بوده است. حمایت‌های اقتصادی و نظامی نظام بین‌الملل از عراق منجر به مزیت نسبی آن کشور در حوزه‌های تاکتیکی و عملیاتی در مقابله با ایران گردید. رژیم بعثی عراق با زمینه‌سازی‌ها و آمادگی کامل قبلی در حدود ساعت ۱۴ روز ۳۱ شهریور ۱۳۵۹، تهاجم سراسری خود را علیه کشور جمهوری اسلامی ایران آغاز و با تعداد ۱۹۲ فروند هواپیمای بمب‌افکن، ۱۹ شهر از جمله تهران، تبریز، اصفهان، دزفول، همدان، بوشهر، کرمانشاه، سنندج و ارومیه را مورد حمله هوایی قرار داد (اردستانی، ۱۳۷۶: ۸۴).

موازنه قدرت و قابلیت‌های تاکتیکی عراق در سال پایانی جنگ

قابلیت‌های راهبردی	موجودی در آغاز جنگ	خسارت وارده در ۸ سال	موجودی در پایان جنگ
هواپیما	۳۰۰	۲۳۸	۶۱۰
هلی‌کوپتر	۸۰	۹۱	۳۲۵
زرهی	۳۵۳۰	۷۳۶۰	۶۳۲۰
توپخانه	۹۰۰	۹۶۵	۳۹۰۰
پرسنل زمینی	۲۰۲۰۰۰	۴۱۰۰۰۰	۶۷۷۰۰۰
یگان (زمینی)	۱۲ لشگر	—	۵۷ لشگر

Military balance, 1990

مصلحه‌گرایی و انعطاف‌پذیری تاکتیکی ایران در دوران دفاع مقدس منجر به تغییر در مسیر جنگ گردید. عراق احساس می‌کرد که به پیروزی‌های تاکتیکی نایل شده است. پیروزی نیروهای نظامی عراق در ماه‌های پایانی جنگ اعتبار صدام حسین در جهان عرب را افزایش داد. معادله قدرت در حوزه انسانی، اجتماعی، ساختارزی و ساختاری نقش موثری در ارتباط با معادله تصمیم‌گیری راهبردی ایران در فرآیند جنگ تحمیلی و پذیرش قطعنامه ۵۹۸ داشته است (نطاق‌پور نوری و شاهقلیان قهفرخی، ۱۳۹۶: ۱۲۵)

برخی از نشانه‌های پذیرش قطعنامه از ماه‌های قبل از پایان جنگ وجود داشته است. ادبیات سیاسی ایران بیانگر این واقعیت بود که معادله قدرت در حال تغییر است. ایران با این واقعیت تلخ

خود را هماهنگ نمود که می‌توان به تکلیف‌گرایی جدید تمایل پیدا کرد. هرگونه تکلیف‌گرایی نمادی از معادله کنش سیاسی و معادله قدرت بوده است. با توجه به محتوای نامه‌های ارسالی چنین به نظر می‌رسد که طبق نظریه «تهدید نظم ثانوی»، هزینه ادامه جنگ برای ایران به مراتب بیشتر از پذیرش قطعنامه پایان جنگ بوده است.

ایران از یک طرف برای ادامه جنگ به تجهیزاتی نیاز داشت که در اختیارش نبود و از سوی دیگر، اراده و خواست نظام بین‌الملل برای پایان دادن به جنگ، ایران را با شدیدترین تحریم‌های تسلیحاتی و اقتصادی مواجه می‌کرد. فضای سیاسی و نظامی داخل کشور در سال‌های منتهی به پایان جنگ به گونه‌ای بود که نوعی تردید و اختلاف‌نظر در بین مسئولان و تصمیم‌گیرندگان اصلی جنگ، برای ادامه یا پایان جنگ دیده می‌شد. در آن مقطع چند نامه مهم درباره مشکلات اقتصادی کشور و کمبود نیروی انسانی و تجهیزات نظامی خدمت امام (رحمه‌الله علیه) ارسال شد که در تصمیم ایشان برای پذیرش قطعنامه ۵۹۸ مؤثر بود (غلامپور، مصاحبه ۱۳۹۳/۹/۲۶).

۲-۲. مصلحت تاکتیکی سیاست خارجی ایران در دفاع مقدس

«مصلحت تاکتیکی» را می‌توان به عنوان یکی از شاخص‌های اصلی معرفت‌شناسی سیاست خارجی ایران در دوران دفاع مقدس دانست. ایران از سال ۱۹۸۶ با نشانه‌های کاهش قدرت ملی و کاهش ضریب بسیج نیروهای اجتماعی برای مقابله با عراق روبه‌رو بود. در سال ۱۹۸۷ قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت علیه ایران صادر شد. قرارداد پنج ساله اتحاد شوروی و عراق نیز در سال ۱۹۸۷ تمدید گردیده و این امر مازاد امنیتی قابل توجهی برای عراق به‌وجود آورد.

در سال ۱۹۸۷ به بعد، سطح همکاری‌های عراق و بسیاری از کشورهای شورای امنیت به گونه تدریجی افزایش پیدا کرده و این امر منجر به کاهش ضریب قدرت ملی ایران در محیط منطقه‌ای گردید. قطعنامه ۵۹۸ و حمایت‌های اقتصادی کشورهای منطقه‌ای از عراق منجر به تغییر در جهت‌گیری و نقش ملی سیاست خارجی ایران در ارتباط با دفاع مقدس گردید. در چنین شرایطی ایران از سازوکارهای «مصلحت تاکتیکی» برای عبور از بحران‌های مربوط به دفاع مقدس استفاده نمود.

ضرورت‌های مصلحت تاکتیکی بخشی از نیاز عمومی کشورها برای امنیت‌سازی در شرایط بحران و تهدید محسوب می‌شود. موازنه قدرت ایران و عراق در سال ۱۹۸۷ به بعد تغییر پیدا کرد و این امر تاثیر خود را در روزهای پایانی جنگ تحمیلی به جا گذاشت. اگرچه موضوع مربوط به تاخیر در امور و عدم سنجش ضرورت‌های راهبردی به عنوان یکی از چالش‌های اصلی سیاست خارجی ایران محسوب

می‌شود، اما ایران توانست موقعیت خود را در فضای کنش متقابل با عراق، جامعه بین‌المللی و شورای امنیت سازمان ملل براساس محورهای تعیین‌شده در قطعنامه ۵۹۸ تنظیم نماید.

نشانه‌های مصلحت تاکتیکی را می‌توان در موازنه تسلیحاتی و موازنه بسیج قدرت برای مشارکت در اقدامات نظامی ایران و عراق مشاهده کرد. مصلحت تاکتیکی تابعی از معادله قدرت بوده و نشانه‌های تغییر در قدرت عملیاتی ایران را می‌توان در بسیاری از نشریات نظامی و همچنین در میدان‌های نبرد مشاهده کرد. تمامی نشریات نظامی سال‌های میانی دهه ۱۹۸۰ بیانگر این واقعیت بود که چگونه موازنه نظامی در جنگ ایران و عراق به گونه تدریجی و در راستای حمایت از قدرت عملیاتی و تاکتیکی عراق تغییر پیدا کرده است.

تغییر موازنه نظامی تاثیر خود را در شکل‌بندی کنش اجتماعی به جا می‌گذارد. هر یک از نیروها و یگان‌های نظامی ایران و عراق با یکدیگر در وضعیت عدم توازن قرار داشتند. جداول تهیه‌شده از سوی نشریات تخصصی «موازنه نظامی»، «جینز دینفس» و «سپیری» بیانگر این واقعیت است که قدرت‌های بزرگ در سال‌های پایانی جنگ حمایت‌های همه‌جانبه‌ای را از عراق به انجام رسانده و ایران را در وضعیت تحریم و موازنه منفی قدرت تسلیحاتی و اقتصادی قرار دادند.

پس از عملیات پیروزمندانه والفجر ۸ و کربلای ۵ در شبه‌جزیره فاو و منطقه شلمچه و برتری نظامی ایران، شورای امنیت سازمان ملل قطعنامه ۵۹۸ را تصویب کرد. مسئولان جمهوری اسلامی به دلیل بدبینی شدید نسبت به سابقه عملکرد این شورا و سکوت معنادار آن پس از گذشت هفت سال از جنگ تحمیلی و به دلیل موقعیت برتر نظامی خود در جبهه‌ها سعی کردند در این مقطع امتیازات بیشتری را در جهت کسب حقوق ملت ایران به دست آورند و موضع‌گیری «نه رد، نه قبول» را نزدیک به یک سال ادامه دادند (امیری، ۱۳۸۹: ۷).

در سال ۱۹۸۸ اصلی‌ترین هدف سیاسی و سیاست خارجی ایران پایان دادن به تهدیدات نوظهور عراق و سایر قدرت‌های بزرگ بود. در این دوران تاریخی، ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی به موازات بسیاری از کشورهای اروپایی حمایت تسلیحاتی و تاکتیکی خود را از عراق به انجام رساندند. طی هشت سال دفاع مقدس جنگ مراحل مختلفی را از قبیل هجوم و اشغال، آزادی‌سازی، تعقیب و تنبیه متجاوز، تحمیل شرایط خودی، ورود رسمی نظام بین‌الملل در جنگ و پذیرش قطعنامه را گذراند.

مصلحت‌گرایی تاکتیکی تابعی از معادله قدرت، اهداف راهبردی و موازنه منطقه‌ای خواهد بود.

تمامی قدرت‌های بزرگ را بازیگران منطقه‌ای در سال‌های پایانی جنگ حمایت همه‌جانبه خود از عراق را در دستور کار قرار داده بودند. جدول ذیل چگونگی موازنه نظامی ایران و عراق در سال‌های ۸۸-۱۹۸۷ را منعکس می‌سازد. واقعیت‌های کنش عملیاتی عراق به گونه تدریجی افزایش پیدا کرد و توانست لشکرهای متعددی را برای انجام کنش عملیاتی سازماندهی کند. میزان تانک عراق به ۷ هزار دستگاه رسید. توپخانه عراق نیز ۹ برابر قدرت عملیاتی توپخانه ایران بود. به این ترتیب، قدرت زرهی و توپخانه عراق در مقایسه با ایران به گونه قابل توجهی افزایش پیدا کرد و این امر امکان هرگونه پیروزی عملیاتی در محیط‌های تاکتیکی را دور از ذهن می‌ساخت.

موازنه نظامی ایران و عراق در سال پایانی

عراق	ایران	قابلیت‌های راهبردی
۸۰۰۰۰۰	۶۵۰۰۰۰	ارتش (نیروی نظامی)
۷۰۰۰	۱۰۵۰	تانک
۵۶۰۰	۶۰۰	توپخانه
۵۰۰	۴۰۰	هوایما
۲۰۰	۳۰۰	بالگرد
۳۴	۲۱	کشتی

(Military balance, 1989)

۲-۳. دیپلماسی تامین حقانیت

حقانیت در ادبیات روابط بین‌الملل تابعی از معادله «قدرت»، «مصلحت» و «برنامه تاکتیکی» خواهد بود. هر یک از سه مولفه یاد شده می‌تواند زمینه لازم برای شکل‌گیری تغییرات و نوسانات تاکتیکی در معادله قدرت بازیگران محیط منطقه‌ای را به وجود آورد. نقش‌یابی ایران در فضای سیاست جهانی از این جهت اهمیت دارد که زمینه لازم برای تحول انقلابی در محیط منطقه‌ای را به وجود می‌آورد. سه مولفه یاد شده محورهای اصلی حقانیت ایران در پذیرش قطعنامه‌های شورای امنیت، میانجی‌گری و دیپلماسی را شامل می‌شود.

کنش دیپلماتیک عموماً برای حل و فصل مشکلات و چالش‌های تاکتیکی کشورها به کار گرفته می‌شود. کشورهایی که از قابلیت لازم برای تحرک، اثربخشی و مدیریت بحران برخوردار باشند، طبیعی است که به نتایج راهبردی بیشتری در فضای اجرایی و عملیاتی نایل می‌گردند. تامین حقانیت یکی از مفاهیم اصلی سیاست و کنش راهبردی سیاست خارجی ایران در دوران‌های مختلف تاریخی و دفاع مقدس محسوب می‌شود. ایران در روند دفاع مقدس بر حقانیت خود تاکید

داشته و از سازوکارهای دیپلماسی تامین حقانیت بهره گرفت.

شعار «جنگ جنگ تا پیروزی» را می‌توان یکی از نشانه‌های اصلی تلاش ایران برای تامین حقانیت دانست. ایران به این موضوع واقف بود که در فضای تهدیدات تاکتیکی قرار گرفته و هرگونه انعطاف‌پذیری ایران می‌تواند چالش‌های امنیتی بیشتری را به وجود آورد. تامین حقانیت رابطه مستقیم با «سیاست تبعیض» نهادهای بین‌المللی و قدرت‌های بزرگ در ارتباط با ایران داشته است. به همین دلیل است که قطعنامه‌های شورای امنیت را در زمان اشغال حوزه سرزمینی ایران یعنی سال‌های ۸۲-۱۹۸۰ مورد پذیرش قرار نداد.

ایران به این موضوع اشاره داشت که آتش‌بس در شرایطی حاصل می‌شود که نیروهای نظامی عراق از حوزه سرزمینی ایران خارج گردیده و زمینه برای شکل‌گیری نشانه‌هایی از تعادل در روابط ایران و عراق در محیط منطقه‌ای حاصل شود. امام خمینی (رحمه‌الله علیه) جنگ را به‌عنوان یک آزمون تاریخی برای ملت و انقلاب ایران می‌دانستند. در نگرش عرفانی امام خمینی (رحمه‌الله علیه)، جنگ منجر به ارتقاء قابلیت‌های ساختاری ایران در مقابله با تهدیداتی گردید که از سوی قدرت‌های بزرگ طراحی و توسط عراق اجرا گردید. بر اساس چنین نگرشی، مقاومت رزمندگان هیچ‌گاه بی‌اثر نبوده و پیامدهای خود را در ارتباط با روحیه قدرت و ادراک امنیتی ایران به‌جا می‌گذارد.

امام خمینی (رحمه‌الله علیه) در پیامی پس از پذیرش این قطعنامه فرمودند: «در یک تحلیل منصفانه انقلاب اسلامی در اکثر اهداف و زمینه‌ها موفق بوده است و به یاری خداوند بزرگ در هیچ زمینه‌ای مغلوب و شکست خورده نیستیم، حتی در جنگ، پیروزی از آن ملت ما گردید و دشمنان در تحمیل آن همه خسارت چیزی دست نیاوردند. ما در جنگ ریشه‌های انقلاب پربار اسلامی‌مان را محکم کردیم، ما در جنگ پرده از چهره تزویر جهان‌خواران کنار زدیم. ما در جنگ دوستان و دشمنان‌مان را شناختیم. ما در این جنگ به این نتیجه رسیدیم که باید روی پای خود بایستیم. ما در جنگ ابهت دو ابر قدرت شرق و غرب را شکستیم. تنها در جنگ بود که صنایع نظامی ما از رشد آنچنانی برخوردار شد و از همه مهمتر استمرار روح اسلام انقلابی در پرتو جنگ تحقق یافت» (صحیفه نور، جلد ۲۱: ۹۴).

پذیرش قطعنامه ۵۹۸ نیز دارای دلایل و زمینه‌های ساختاری خاص خود بوده است. واقعیت آن است که ایران در روند جنگ تحمیلی و حتی پس از آن به مازاد راهبردی قابل‌توجهی «آنتونی کوردزمن» از کارشناسان و محققان جنگ ایران و عراق در کنفرانسی ویژه در «انستیتو تحقیقاتی

بین‌المللی بروکینگز» چنین می‌گوید: «ایران در پایان جنگ اگرچه نتوانست کشور متجاوز عراق را به علت حمایت‌های گسترده قدرت‌های جهانی، تنبیه و مجازات کند، ولی توانست با حمایت و پشتیبانی مردم، نظام سیاسی خود را با شاخص‌های انقلابی و دینی تثبیت کند» (کوردزمن و واگنر، ۱۳۸۹).

معادله حقانیت در اندیشه رهبران سیاسی ایران به ویژه امام خمینی (رحمه‌الله علیه) از این جهت اهمیت دارد که موضوع تکلیف برای دفاع در برابر تهاجم را برجسته نموده و به این موضوع اشاره داشتند که مقابله و مقاومت در برابر تهدیدات ناشی از قدرت‌های بزرگ، منجر به افزایش «اعتبار ملی» ایران خواهد شد. از آنجایی که ایران در دوران دفاع مقدس با فشارهای نظامی، تاکتیکی و عملیاتی گسترده عراق روبه‌رو بود، به همین دلیل زمینه برای افزایش «اراده مقاومت» در ساختار سیاسی ایران را فراهم کرد. واقعیت آن است که دفاع مقدس توانست چگونگی «آب‌دیده شدن فولاد» را شکل دهد.

امام خمینی (رحمه‌الله علیه) در پایان جنگ با اشاره به برکات جنگ فرمودند: «هر روز ما در جنگ برکتی داشته‌ایم که در همه صحنه‌ها از آن بهره‌جسته‌ایم. ما انقلابمان را در جنگ به جهان صادر نموده‌ایم. ما در جنگ ابهت دو ابرقدرت شرق و غرب را شکستیم. ما در جنگ ریشه‌های انقلاب پر بار اسلامی‌مان را محکم کردیم. ما در جنگ حس برادری و وطن‌دوستی را در نهاد یکایک مردمان بارور کردیم. ما در جنگ به مردم جهان و خصوصاً مردم منطقه نشان دادیم که علیه تمامی قدرت‌ها و ابرقدرت‌ها تا سالیان سال می‌توان مبارزه کرد و از همه اینها مهمتر، استمرار روح انقلابی در پرتو جنگ تحقق یافت» (بیدگلی و قیصریان‌فرد، ۱۳۹۸: ۳۲).

۲-۴. بازدارندگی تاکتیکی ایران در دوران دفاع مقدس

یکی از اهداف دفاعی کشورها تولید قدرت برای ایجاد موازنه و بازدارندگی در برابر سایر بازیگران محسوب می‌شود. برخی از بازیگران همانند قدرت‌های بزرگ، دارای سیاست تهاجمی بوده و تولید قدرت را با اهداف گسترش‌گرایی به کار می‌گیرند. ایران تلاش نمود تا معادله قدرت را با نشانه‌هایی از موازنه و مقاومت پیوند داده که از طریق آن به نشانه‌هایی از «بازدارندگی تاکتیکی» نایل گردد. ویژگی اصلی بازدارندگی تاکتیکی آن است که زیرساخت‌های لازم برای موازنه قدرت را به وجود می‌آورد.

بازدارندگی تاکتیکی یکی از محورهای اصلی کنش نظامی، دفاعی و عملیاتی کشورهاست. هر واحد سیاسی برای آن که بتواند به سطح بیشتری از قدرت ملی نایل گردد، در آن شرایط از سازوکارهای مربوط به کنش بازدارنده نایل می‌شود. بازدارندگی ایران از این جهت اهمیت دارد که

توانست زمینه حاشیه‌ای سازی تحرک عملیاتی عراق در ارتباط با ایران را فراهم آورد. نقش‌یابی ایران در فرآیند دفاع مقدس از این جهت اهمیت دارد که توانست زمینه عقب‌نشینی عراق در سال ۱۹۸۲ را فراهم آورد.

قدرت‌سازی، امنیت و بازدارندگی را می‌توان در زمره عناصر اصلی تشکیل‌دهنده اهداف سیاست خارجی کشورها دانست. هر یک از شاخص‌های یاد شده می‌تواند زیرساخت‌های لازم برای امنیت اجتماعی و راهبردی را به وجود آورد. امنیت اجتماعی شده در شرایطی به وجود می‌آید که کارگزاران نظام سیاسی بتوانند رابطه متقابل و همکاری‌جویانه‌ای را با گروه‌های اجتماعی و شهروندان برقرار کنند. مقام معظم رهبری^(مدظله‌العالی) در تبیین ضرورت‌های امنیت‌سازی به این موضوع اشاره دارند که:

«مسئولین شما وقتی به این کشورها بروند، آن جایی که مردم را آزاد بگذارند، مردم نسبت به اینها ابراز احساسات می‌کنند. نظیر این در هیچ جای دنیا، دیگر وجود ندارد. رؤسای ما به کشورهای مسلمان می‌روند، جوان، دانشجو، دانشگاهی، مردم کوچه و بازار، طبقات مختلف، مثل مردم شهری از شهرهای ایران برای آنها شعار می‌دهند، اظهار ارادت می‌کنند، اظهار علاقه می‌کنند، دورشان جمع می‌شوند، سلام می‌فرستند. این نشان‌دهنده نفوذ این انقلاب در دلهای ملت‌های مسلمان است. این است که دولتهای مخالف اسلام و مخالف نظام جمهوری اسلامی را خشمگین می‌کند؛ سراسیمه می‌کند.» (امام خامنه‌ای^(مدظله‌العالی)، ۱۳۸۸/۲/۲۴، در دیدار سران و معتمدان عشایر کردستان).

نتیجه‌گیری

سیاست خارجی ایران در دوران دفاع مقدس براساس معادله «مقاومت در برابر تهدیدات» شکل گرفت. تهدیدات فراروی ایران از سوی قدرت‌های بزرگ و بازیگران منطقه‌ای ایجاد شده و تابعی از سازوکارهای کنش تاکتیکی ایران بوده است. در نگرش مقام معظم رهبری^(مدظله‌العالی) دشمن دارای ویژگی‌های ادراکی، ساختاری و کارکردی می‌باشد. وقتی که صحبت از دشمن می‌شود، طبعاً موضوعاتی همانند امنیت و منافع ملی جمهوری اسلامی نقش محوری در سنجش کنش بازیگرانی را ایفا می‌کند که به نشانه تهدید تلقی می‌گردند.

نشانه‌های هستی‌شناسانه دفاع مقدس ریشه در شکل‌بندی‌های انقلاب اسلامی و ساخت سیاسی ایران دارد. ایران تلاش همه‌جانبه‌ای به انجام رساند تا زمینه لازم برای به حداکثر رساندن معادله

قدرت را فراهم آورد. الگوی رفتار سیاست خارجی ایران در حوزه هستی‌شناسی براساس نشانه‌هایی از «جهاد و مقاومت، موعودگرایی شیعی و عدالت‌گفتمانی» شکل گرفته است. هریک از نشانه‌های یاد شده توانست ضریب مقاومت و نقش‌یابی ایران برای مقابله با تهدیدات را افزایش داده و ایران از این طریق به نشانه‌هایی از «انسجام اجتماعی و تحرک عملیاتی» برای مقابله با تهدیدات عراق نایل گردید.

از آنجایی که یکی از دلایل بنیادین شکل‌گیری جنگ‌ها و پایان منازعات را می‌توان در چگونگی موازنه قدرت بین بازیگران دانست. عراق سه مرحله موازنه قدرت را در ارتباط با ایران تجربه کرده است. مرحله اول مربوط به دورانی است که ارتش عراق در سال اول جنگ مناطقی وسیع از کشور را به تصرف درآورد. شروع جنگ و اهمیت توانایی‌های نظامی در طول این جنگ نشان داد که هنوز برای کشورهای چوون ایران و دیگر مناطق جهان سوم، قدرت نظامی برای تأمین امنیت ملی بسیار مهم است.

مرحله دوم مربوط به شرایطی است که ایران توانست مناطق اشغال‌شده سرزمین خود را آزاد نموده و از «راهبرد تعقیب و تنبیه متجاوز» استفاده نماید. چنین فرآیندی بین سال‌های ۶۶-۱۳۶۱ ادامه یافت. در این دوران تاریخی تمامی قدرت‌های بزرگ مخالف قدرت‌یابی ایران در جنگ تحمیلی بوده و تلاش داشتند تا موقعیت عراق را ارتقا دهند. به همین دلیل است که در مرحله دوم از موازنه قدرت ایران و عراق، زمینه برای کنش عملیاتی ایران و حمایت قدرت‌های بزرگ از عراق در جنگ تحمیلی به وجود آمد.

مرحله سوم موازنه راهبردی ایران و عراق مربوط به سال ۱۳۶۷ است. دوران تاریخی که عراق به مازاد راهبردی دست پیدا کرده و توانست موقعیت خود در بسیاری از حوزه‌های عملیاتی ارتقا دهد. در چنین شرایطی، زمینه برای ظهور شکل جدیدی از موازنه قدرت به وجود آمد. موازنه جدید قدرت را می‌توان زیربنای پذیرش قطعنامه ۵۹۸ دانست. پذیرش قطعنامه ۵۹۸ به مفهوم هماهنگ‌سازی سیاست‌های تاکتیکی و راهبردی ایران با رویکرد طراحی‌شده از سوی قدرت‌های بزرگ در نهادهای بین‌المللی بوده است.

نشانه‌های معرفت‌شناسی سیاست خارجی ایران در دوران دفاع مقدس ارتباط مستقیم با مفاهیم و فرآیندهایی همانند «مدیریت بحران، مصلحت‌تاکتیکی، دیپلماسی تأمین حقانیت و بازدارندگی تاکتیکی» داشته است. هر یک از شاخص‌های یاد شده را می‌توان در بخشی از فرآیند دفاع مقدس

مورد توجه قرار داد. درک واقعیت‌های دفاع مقدس در حوزه معرفت‌شناسانه با شاخص‌های مربوط به رئالیسم هنجاری پیوند یافته است. ایران از سازوکارهای مربوط به «رئالیسم هنجاری» در ارتباط با بازخوانی معادله جنگ ایران و عراق بهره گرفت.

رئالیسم هنجاری به این موضوع اشاره دارد که صرفاً دولت‌ها محور اصلی تصمیم‌گیری راهبردی محسوب نمی‌شوند، بلکه شرایط اجتماعی و عمومی یک کشور در ارتباط با سرنوشت عمومی یک کشور نقش موثری خواهد داشت. بهره‌گیری از سازوکارهای مربوط به رئالیسم هنجاری با واقعیت‌های معادله قدرت و پذیرش آرایش تاکتیکی در حوزه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و نظامی هماهنگ بوده است. به همین دلیل زمینه برای بازخوانی زمینه ایران در ارتباط با قطعنامه ۵۹۸ فراهم شد. در چنین شرایطی بود که امام خمینی (رحمه‌الله علیه) رویکرد خود را با انگاره و تفکر فرماندهان جنگ تطبیق دادند. چنین رویکردی، منجر به پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی رهبری جمهوری اسلامی ایران گردید. امام خمینی (رحمه‌الله علیه) پذیرش قطعنامه ۵۹۸ را براساس ضرورت‌های مربوط به مصلحت نظام جمهوری اسلامی ایران دانسته و آن را به مثابه جام زهر پذیرفتند.

منابع

- امام خمینی (رحمه‌الله علیه)، روح‌الله (۱۳۷۸). صحیفه‌نور، جلد‌های ۱۶ و ۲۱، چاپ اول، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام.
- امام خمینی (رحمه‌الله علیه)، سید روح‌الله (۱۳۸۵). صحیفه امام، مجموعه آثار امام خمینی (رحمه‌الله علیه)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، جلد ۱۲.
- امام‌خامنه‌ای (مدظله العالی) (۱۳۳۸). مجموعه بیانات، پیام‌ها و رهنمودهای فرماندهی معظم کل قوا، تهران: انتشارات مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، حفظ و نشر آثار حضرت امام خامنه‌ای (مدظله العالی).
- اردستانی، حسین (۱۳۷۶). جنگ ایران و عراق، رویارویی استراتژی‌ها، چاپ اول، تهران: دانشگاه امام حسین (ع).
- امیری، ابوالفضل (۱۳۸۹). «جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و فرآیند پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت»، فصلنامه مطالعات تاریخی و نظامی، شماره ۷ و ۸، تابستان و پاییز.
- باوریان، فریده و فاطمه سهراب‌زاده (۱۳۹۷). «تبیین دو رویکرد اصلی مدیریتی دفاع از کشور در جنگ تحمیلی»، فصلنامه مطالعات دفاع‌مقدس، دوره ۴، شماره ۲، تابستان.
- بختیاری، مسعود (۱۳۸۶). دانشنامه بزرگ فارسی، تهران: وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- بیدگلی، سید محمود و هادی قیصریان‌فرد (۱۳۹۸). «تحلیل و ارزیابی پایان جنگ ایران و عراق»، گنجینه اسناد، سال ۲۹، دفتر سوم، پاییز، شماره ۱۱۵.
- پیری، هادی مراد و مهدی حشمتی جدید (۱۳۹۵). «بررسی مقایسه‌ای راهبرد جمهوری اسلامی ایران و عراق در دوران جنگ از دیدگاه فرماندهان دوران دفاع‌مقدس»، مجله سیاست دفاعی، سال بیست و پنجم، شماره ۹۷، زمستان.
- درویدیان، محمد (۱۳۹۵). تأثیرات متقابل تحولات راهبردی جنگ ایران و عراق و مواضع راهبردی امام خمینی، تهران: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع‌مقدس.
- درویشی سه‌تانی، فرهاد (۱۳۸۸). تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق: ریشه‌های تهاجم، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
- رضایی میرقائد، محسن (۱۳۹۰). جنگ به روایت فرمانده: درس‌گفتارهای جنگ، تهران: بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع‌مقدس.
- غلام‌پور، احمد (۱۳۹۶/۱۲/۲۴). تهران: موزه انقلاب اسلامی و دفاع‌مقدس.
- کالینز، جان، ام (۱۳۸۳). جغرافیای نظامی، ترجمه عبدالمجید حیدری و همکاران، تهران: مجتمع ناشران.
- کوردزمن، آنتونی و آبراهام واگنر (۱۳۸۹). درس‌های جنگ مدرن: جنگ ایران و عراق، جلد ۱، ترجمه حسین یکتا، تهران: انتشارات مرز و بوم.

نطاق‌پور نوری، مهدی و رضا شاهقلیان قهفرخی (۱۳۹۶). «جنگ تحمیلی عراق علیه ایران در نگرش اندیشمندان دفاعی و امنیتی»، دوفصلنامه مطالعات دفاع‌مقدس و نبردهای معاصر، سال دوم، شماره دوم، بهار و تابستان.

Amirahmadi, Hooshang (1990), "Revolution and Economic Transition: The Iranian Experience", Albany: State University of New York.

Entessar, Nader (1984), "External Involvement in the Persian Gulf Conflict", Conflict Quarterly, Vol. 4, No. 4, autumn.

Geoff, Simons (1994), "Iraq: From Sumer to Saddam", London: The Macmillan.

Shariati, Shahroz (2019), "The Iran-Iraq War: Geopolitical Economy of the Conflict", Geopolitics Quarterly, Vol. 14, No 4, winter, PP, 46-61.